



آواز عشق و معرفت در نیایش توکای عارف

چگونه می توانم حقیقت را درک کنم
چه قدر بی چاره‌ام
چراکه روی تو از من پنهان است
ای بلندمرتبه

می‌نوشت به دور اندازد. از آنجایی که دستور از بین بردن دفتر شعر از جانب دارمادیکاری (مجری امور دینی) صادر شده بود توکارام چاره‌ای جز اطاعت از آن نداشت و به ناچار دفترش را با اندوه بسیار به رودخانه سپرد. وی سپس در ساحل رودخانه ایندیرای نشست و به خلصه فرو رفت. چنین می‌گوید که بعد از دوازده روز ارباب پاندورانگا بر او ظاهر شد و گفت که شعرهایش بر او باز خواهد گشت. صبح روز بعد نسخه‌هایی از اشعار توکارام شنار به سمت تخته‌سنگی که وی بر روی آن به تعمق فرورفته بود بازگشت.

توکارام نمونه‌ای است که نشان می‌دهد عشق خدا بر معیارهایی از قبیل طبقه اجتماعی، کیش، تحصیلات و نژاد مبتنی نیست و تنها عشق است و بس. وی اعتقاد داشت که طبقه و جایگاه اجتماعی در خداشناسی نقشی ندارند. فلسفه او ساده و کارگر بود آرام‌نشین و نام خدا را تکرار کن. همین به‌تنهایی برای فهم خدا کافی است. وی همواره تاکید داشت که اخلاق و دین‌اموری صوری و ظاهری نیست و کاربرد واقعی دین در شناخت درک حق تعالی از راه "عشق" است. وی بسیاری از اوقات خود را صرف مطالعه و تفکر در آثار قدیسن دیگر سرزمین‌ها می‌کرد. بعد از یک دوره تفکر در اعتکاف و شدیدترین شکل پرهیز، طبع شر بر او نمایان شد. آیهانگ‌های (مضمون آوای دعای) او گواه

توکارام [Tukaram] (۱۶۴۸-۱۵۹۸ م.) شاعر و عارف بزرگ هندو در دهکده‌ای به نام دهو در ۳۳ کیلومتری پونه هندوستان متولد شد؛ پدر و مادر وی از کشاورزان فقیر اجتماع ماراتا بودند ولی طبعی نیک و پرهیزکار داشتند. او در یازده‌سالگی ازدواج کرد ولی زن و پسر او در حطلی از گرسنگی تلف شدند. همسر دوم وی، جیجابای، یک زن توانا ولی مادی بود که نمی‌توانست الهامات روحی و معنوی شوهرش را درک کند و قدر بداند، بدین دلیل سر به شکوه و عیججویی می‌گذاشت.

برای توکارام، خواندن و سرودن در مورد عظمت خدا مطمئن‌ترین راه شناخت بود. شاید رسیدن به پاک‌ی درونی و تسلیم کامل او را قادر ساخت که حضور خدا را تجسم کند. آیهانگ‌های توکارام حاکی از آنند که وی خدا را در همه جا و همه چیز احساس می‌کرده است.

زندگی او که مملو از پیشامدهای ناخوش‌آیند یک انسان غیردنیوی است موضوع مورد توجه کیرتانکارها (انقلابی که به حمد و ستایش خدا می‌پردازد) بوده است. داستان‌ها و معجزات بسیاری به توکارام نسبت داده شده‌اند. یکی از آنها این چنین روایت می‌کند که برهمن‌های حسود او را به این علت که برهمن نبوده ولی بر پایه وادها و پورانه‌ها شعر می‌نوشت شمتامتی می‌کردند و وادارش کردند که دفتر نخل‌برگ خود که در آن شعرهایش را

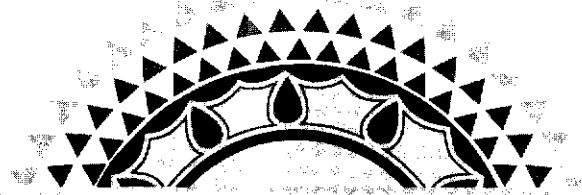
کشمکش‌های درونی هستند که وی متحمل شد. آنها علاوه بر این، مراحل مختلف خداشناسی او را از طریق بهکتی یا عشق الهی نشان می‌دهند. جدایی جان آدمی از خدا برای انسان عاشق بسیار رنج‌آور است. این حال را هندیان ویراها و مسیحیان به "شب سیاه روح" می‌شناسند.

توکارام این حال را در آیهانگ خود این چنین توصیف می‌کنند:

چگونه می‌توانم حقیقت را درک کنم
چه قدر بی چاره‌ام
چراکه روی تو از من پنهان است
ای بلندمرتبه
بارها و بارها بر دروازه بلندی می‌خوانمت
هیچ کس صدایم را نمی‌شنود، خانه خالی و
متروک است

او به شکل یک مسکین به سوی خدا می‌رود و طلب صدقه می‌کند. صدقه عشق الهی، او می‌خواست که "مزه شکر را بچشد؟ نه اینکه خود شکر بشود." او می‌خواست که "شامل رحمت مصاحبت با خدا شود، نه اینکه کنارش بایستد و شریک او باشد." این ساده‌ترین طرز تفسیر ثنویت در کیش بهکتی است. در یکی از شعرهایش می‌گوید: "چه رحیم است او! شادی خود را در بیچارگان می‌بیند. بارشان را بر سر خود می‌کشد؛ زحمت فراهم و حفظ کردن [نعمت] برایشان را قبول می‌کند. مراقیشان است که از راه راست منحرف نشوند. دستشان را می‌گیرد و خود هدایتشان می‌کند." توکارام می‌گوید: "این پاداش کسی است که با عشق مطلق در پی خدا است." نظریه دوگانگی را رد می‌کند و می‌گوید لازم نیست که جایگاه خداوند را در بیرون از خود جست‌وجو کنیم. اگر می‌خواهید تا این حد بدانید، با فکر اندر فکر به این دانش برسید؛ همانند صیادی که نشانه‌ها را می‌جوید تا صید خود را بیابد. توکارا انسان را از خواب بیدار می‌کند و فریاد می‌زند: "بیهوده مترس! چشم دلت را باز کن و خود را درون وی خواهی یافت!"

توکارام وقتی احساس کرد ک دیگر به پایان راه نزدیک شده است از همسرش پرسید که آیا دوست دارد او را در این آخرین سفر همراهی کند؟ ولی او چنین پاسخ داد: "چگونه می‌توانم فرزندان، خانواده، گاوها و گوساله‌هایم را تنها بگذارم و با تو بیایم؟" عاشقان بر این باورند که توکارام به اعتقاد رودخانه ایندیرایانی فرورفت. قالیچه سنج‌ها و تانپورای وی به روی آب آمدند ولی اثری از جسمش نبود. آنها باور دارند که او با جسم خود به بهشت رفت.



شش دعا از توکا آن عارف روستایی هندی احساس گناه

خدایا، همه را به خاطر تو ترک گفته‌ام
اما هنوز دلم از خواهش لبریز است.
و باعث می‌شود که عشقت را فراموش کنم؛
ای خدا، نجاتم ده، نجاتم ده
خدایا خودت نجاتم ده:
خدایا، همان‌طور که پیش رویت زانو می‌زنم
بیا و در درونم خانه کن
زندگی اسرارآمیزت را در درون من ادامه بده
و خودت نجاتم ده.

نیاز انسان به رحمت خدا

همچون ماهی بیرون افتاده از آب
که بی‌تابی می‌کند،
جانم بی‌تابی می‌کند:
همچون کسی که گنجی به خاک سپرده،
و حال جای آن را از یاد برده است،
فکرم پریشان است:
همچون کودکی که مادرش را گم کرده،
رنج می‌برم، دلم از درد می‌سوزد،
ای خدای رحیم،
تو می‌دانی که چه می‌خواهم
بیا، نجاتم ده، و عشقت را بر من نمایان کن.

عشق و توجه خدا

این همه بی‌تابی و دست‌چاکی برای چه،
این بار سنگین تکالیف زمینی چرا؟
هدف خدا محکم است و استوار،
و تو، کودک خردسال او،
تنها به یک چیز محتاجی،
به قدرت و خواست او توکل کن که برآورد نیاز تو را،
بار تو بر دوش او امن است،
و تو، کودک خردسال او،
باشد که یا آرامش در کنار او بازی کنی،
و این است حاصل و گوهر تمام آن-خدایی هست،
خدا تیمارگر و مراقب شماست

زندگی خدا در درون

خدایا به درون خود بکش؛
و بگذار برای همیشه از بین برود:
بگیر، خدا، جانم را،
تو در درون من زندگی کن:
من دیگر زنده نیستم، ای خدا،
اما حال اندرون من،
این تویی که زندگی می‌کنی:
بله، میان تو و من، ای خدای من،
دیگر جایی برای «خود» و «من» نیست.

برای خدا زندگی کن

ای خدا، آه از زجر وظیفه‌ای که تو بر دوشم گذاشته‌ای
که شکوه عشقت را بیان کنم!
می‌خوانم و می‌خوانم،
ولی باز حقیقت از زبانم می‌گریزد:
هیچ حرفی نیست، هیچ حرف،
که بتواند تو را آن‌طور که هستی توصیف کند:
این نمه‌های من پوشالی است،
هیچ برقی از حقیقت عالی هرگز لبانم را به شعله
نکشید:
ای خدا، آه از زجر وظیفه‌ای که تو بر دوشم گذاشته
ای!

نیاز و بی‌نیاز

هیچ نیازی را برآورده نساختم
و هیچ فکری نکرده‌ام؛
نجاتم ده چون خدمتگذارم، من هیچ نیستم.
حفظم کن، ای خدا، و ای،
طغیان روح بی‌تابم را مهار کن.
نه، میانداز، بر دوش من میانداز
گناه شرارتم را.
من، توکا، گناهان بی‌شمارم را، بر قلب رئوف تو می
نهم، ای خدا.

مشخصات کتابشناسی این مطلب از:

Georg Appleton, The Oxford Book of Prayer
Oxford University Press, 2002

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال دیجیتال علوم انسانی

